

## **Elevation Shoving of Islamic Awakening in Full-Faced Mirror of Islamic Revolution**

**Rahim Amraee\***

### **Abstract**

The thought and way of looking at the world of nations affects their lifestyle and Iranian society has spent many centuries under the influence of deep thought and ideology. How effective is ideology in the approach of societies and the occurrence of revolutions? And that the ideological view is an obstacle to thinking and transformation and freedom in behavior? Or, on the contrary, is it based on thinking and evolution, which is generative and exalting for societies? It is a controversial issue that, as an answer to the analytical-descriptive method, after referring to the system of fourth-generation revolutions from the perspective of thinkers, the effect of the divine worldview on the occurrence of the Iranian revolution and how to achieve freedom and dismantle the authoritarian system based on thinking and ideology We explain divinely. Iran is one of the revolutionary societies that, while being influenced by the general current of awakening in the past, with its great and lasting ideological revolution, has become a strong explanation for the elevation of Islamic nations. In this article, it is examined that real religious ideology can provide the causes of ideological and political transformation against tyranny and dependence, and Iran's pioneering in confronting tyranny and colonialism was an expression of the high capacity of the spirit of freedom in Iran, and the history of the Islamic Revolution is an explanation. And the main inducer of authoritarianism is in the form of awakening in the Islamic world.

**Keywords:** Explain, Islamic Awakening, Elevation, Ideological Revolution, Freedom, Opposing Dictatorial.

\* Assistant Professor of Islamic Education and Training. Farhangian University, Kermanshah. Iran,  
r.amraie@cfu.ac.ir, 0000-0002-8266-346x

Date received: 19/02/2023, Date of acceptance: 19/01/2024





## تبیین تعالی بیداری اسلامی در آینه تمام‌نمای انقلاب اسلامی

رحیم امرایی\*

### چکیده

اندیشه و نوع نگاه ملت‌ها به جهان در سبک زندگی آن‌ها تأثیرگذار است و جامعه ایران تحت تأثیر اندیشه و ایدئولوژی عمیق قرون متمادی را سپری کرده است. این‌که ایدئولوژی تاچه حد در رویکرد جوامع و وقوع انقلاب‌ها تأثیرگذار است؟ و این‌که نگاه ایدئولوژیک مانع تفکر و تحول و آزادی در رفتار است یا به‌عکس، بر مبنای تفکر تکامل‌زا و تعالی‌بخش برای جوامع است مسئله‌ای اختلافی است که در مقام پاسخ با روش تحلیلی - توصیفی، پس از اشاره به نظام انقلاب‌های نسل چهارم از منظر متفکران، تأثیر جهان‌بینی الهی در وقوع انقلاب ایران و چگونگی دستیابی به آزادی و برچیدن نظام استبدادی را براساس تفکر و ایدئولوژی الهی تبیین می‌کنیم. ایران از جوامع انقلابی است که در عین تأثیرپذیری از جریان کلی بیداری در گذشته، با انقلاب ایدئولوژیک و بزرگ و ماندگار خود به تبیین‌گری قوی برای اعتلای ملل اسلامی تبدیل شده است. در این مقاله بررسی می‌شود که ایدئولوژی مذهبی واقعی می‌تواند موجبات تحول اندیشه‌ای و سیاسی علیه استبداد و وابستگی را فراهم سازد و پیش‌گامی ایران در مقابله با استبداد و استعمار، بیان‌گر ظرفیت بالای روح آزادی در ایران بود و تاریخ انقلاب اسلامی، تبیین‌گر و القاکننده اصلی استبدادستیزی در قالب بیدارگری در جهان اسلام است.

**کلیدواژه‌ها:** تبیین، بیداری اسلامی، تعالی، انقلاب ایدئولوژیک، آزادی، استبدادستیزی.

\* استادیار گروه معارف و تربیت اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، کرمانشاه، ایران، r.amraie@cfu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۹



## ۱. مقدمه و بیان مسئله و روش تحقیق

نگاه سطحی به تمدن غربی انسان را مجذوب ظواهر فریبده آن می‌کند و معمولاً دو اشکال و نقد عمده از جانب جریان غرب‌گرا به انقلاب اسلامی ایران و هرنوع انقلابی که در صدد احیای دین و سنت در جامعه باشد، مطرح می‌شود. در این جا این دو اشکال را مطرح و سعی می‌کنیم به آن‌ها پاسخ دهیم.

اشکال اول: چنین انقلاب‌هایی ایدئولوژیک هستند و حاکمیت ایدئولوژی مانع فضای باز تفکر و تنفس اندیشه در جامعه می‌شود که بن‌مایه این نگاه برگرفته از تفکر اشتباه «تعارض علم و دین» است. آیا انقلاب اسلامی براساس این نگاه انقلابی ایستاست یا دارای تحول و پویایی و احیاء برای جامعه خود و یا دیگران است؟

اشکال دوم: آزادی در انقلاب‌های ایدئولوژیک بسیار محدود می‌شود و انسان نمی‌تواند میل خود را آن‌گونه که می‌خواهد آزادانه ارضا کند. فرضیه اولیه‌ای که با روش توصیفی و تحلیلی در پی تقریر آن هستیم، تحول‌آفرینی و تعالی‌بخشی انقلاب ایدئولوژیک اسلامی است.

## ۲. پیشینه و نوآوری

دکتر ملکوتیان در *نظریه‌های/انقلاب به انقلاب‌های غیرایدئولوژیک و ایدئولوژیک* از منظر متفکران این علم می‌پردازد و تمرکز بیش‌تری بر تبیین نظریات غربی از انقلاب‌ها در این کتاب دارد؛ از جمله این که «تدا اسکاچپول» پس از نپذیرفتن تأثیر ایدئولوژی در انقلاب‌ها، نظریه خود را در مقاله «حکومت تحصیل‌دار و اسلام شیعی در انقلاب ایران» نارسا معرفی می‌کند، به این معنا که جهان‌بینی در وقوع انقلاب دینی تأثیرگذار است (ملکوتیان ۱۳۹۵: ۱۴۸). هم‌چنین، جان فوران و جک گلدستون قائل به ورود محافل علمی و دانشگاهی غرب به نسل چهارم نظریه‌های انقلاب که «انقلاب‌های فرهنگی و آرمان‌گرا و ایدئولوژیک» باشند پرداخته‌اند (ملکوتیان ۱۳۹۷: ۹۸-۹۹). نوآوری ما در این مقاله پرداختن به تأثیر نگاه ایدئولوژیک در انقلاب است و این که در انقلاب‌های فرهنگی نه تنها نگاه ایدئولوژیک تأثیرگذاری بسیار بالا در تعالی‌بخشی دارد، بلکه آزادی واقعی هم در بستر ایدئولوژی صحیح دینی و استقرار آن امکان تحقق دارد و این که جریان بیداری اسلامی از وقوع انقلاب ایران حیات دوباره یافت.

«اسلاوی ژیتزک»، متفکر و فیلسوف اسلوونیایی، یکی از متفکران غربی است که تحت تأثیر فلسفه و روان‌شناسی ژاک لاکان (فیلسوف و روان‌کاو فرانسوی) در زمینه چستی ایدئولوژی و ماهیت میل تحقیق و غور کرده است. دیدگاه او در این خصوص عمیقاً تحت تأثیر نظریه ژاک لاکان در خصوص ارتباط میان ناخودآگاه و زبان است. در این دیدگاه، ساختار ناخودآگاه بشر

تبیین تعالی بیداری اسلامی در آینه تمام‌نمای انقلاب اسلامی (رحیم امرایی) ۵

بر زبان، که همان «دیگری بزرگ» نام دارد، استوار است و انسان از همان اوایل کودکی، به محض وارد شدن به دنیای زبان ناخودآگاهش تحت حاکمیت «دیگری بزرگ» یا زبان قرار می‌گیرد. اگر ایدئولوژی را به معنای داشتن یک سری اصول و پیش‌فرض تعریف کنیم (همان‌گونه که مراد منتقدان غرب‌گرا از ایدئولوژی نیز عمدتاً همین است) طبق دیدگاه لاکان و ژیاک از ناخودآگاه، هیچ انسانی ذاتاً نمی‌تواند تهی از ایدئولوژی باشد؛ چراکه ناخودآگاه هر انسانی مبتنی بر «دیگری بزرگ» یا همان زبان است. از طرف دیگر، چنین نیست که ساختار حکومتی جوامع غربی تهی از ایدئولوژی باشد. حتی قوانین حکومت‌هایی که مدعی دموکراسی‌اند، سرشار از ایدئولوژی است.

ژیاک بر همین مبنا معنای رایج آزادی میل در غرب را به چالش می‌کشد و معتقد است ماهیت میل در انسان را نیز همان «دیگری بزرگ» تشکیل می‌دهد و بنابراین میل هیچ انسانی ذاتاً از خودش نیست. لذا هر انسانی تا زمانی که به این حقیقت نرسیده است که بازیگر میل «دیگری بزرگ» است هم‌چنان برده خواهد ماند (ژیاک ۱۳۹۰: ۱۴۷-۱۵۳). شبیه همین سخن را ژاک لاکان مطرح کرده است، آن‌جا که می‌گوید:

«خوش‌بختی» به معنای برآورده شدن آرزوهایمان نیست، بلکه به معنای پی‌گیری و به رسمیت شناختن «میل حقیقی مان» است (لاکان ۱۴۰۲: ۴۷).

بنابراین می‌توان گفت ایدئولوژیک‌نامیدن انقلاب اسلامی و غیرایدئولوژیک‌نامیدن حکومت‌های غربی از اساس وجهی ندارد؛ چراکه هیچ حکومت و هیچ انسانی نمی‌تواند بدون ایدئولوژی فکر کند، زیرا ایدئولوژی از ذاتیات امری همگانی به نام زبان یا «دیگری بزرگ» است و فکر و اندیشه بدون زبان امکان ندارد.

بی‌بندوباری و آزادی ارضای امیال در جوامع غربی نیز هیچ نشانی از آزادی حقیقی ندارد؛ چراکه تبعیت از میل به معنای تبعیت از «دیگری بزرگ» است و در واقعیت، صرفاً میل «خود» انسان نیست و هرچه انسان در ارضای این امیال بیش‌تر بکوشد، بیش‌تر بردگی و اسارت خود به «دیگری بزرگ» را ثابت کرده است (موللی ۱۴۰۱: ۲۱۴-۲۱۶).

از منظر لاکان و ژیاک تنها راه حقیقی آزادی، درک ساختار میل و شناخت میل حقیقی مان است. شبیه این دیدگاه را، با اندکی تسامح و اغماض، می‌توان در تعالیم اسلامی یافت. در دین مبین اسلام نیز آزادی حقیقی رهایی از سیطره امیال نفسانی (امیال دیگری بزرگ) و پی‌گیری و شناخت میل حقیقی (میل به شناخت خداوند) است. مسیر صحیح شناخت میل واقعی و قراردادن ارضای صحیح آن در چهارچوب دین‌گرایی هم‌راه با عقل‌مداری است که این دو مهم، مؤید هم‌دیگر نیز هستند.

نوآوری پژوهش حاضر تبیین و تحلیل این مسئله است که باوجود ایدئولوژیک‌بودن انقلاب اسلامی ایران، این ویژگی نه تنها مانع فضای باز تفکر و تنفس اندیشه در جامعه نشده است، بلکه همان ایدئولوژی معنویت‌گرا، در قالب انقلابی فراگیر، روح آزادی را در جامعه پرورانده است و این آزادی موضع‌گیری صریحی را در برابر استبداد و انسداد سیاسی در میان خواص و در گام بعد در توده‌های عوام ایجاد کرده است.

### ۳. چهارچوب مفهومی

اگر آزادی را به معنای نبود عقلانیت در تعریف هنجارها و ناهنجاری‌ها و بی‌تفاوتی به رعایت یا عدم رعایت آن‌ها در جامعه تفسیر کنیم، به این معنا که هر فرد هر رفتاری مخالف سعادت دیگران در جامعه ابراز کند، چنین آزادی بی‌مبنایی جایگاهی در رویکرد ایدئولوژیک معنویت‌گرا ندارد؛ زیرا نبود عقلانیت و نبود چهارچوب تعالی‌بخش در انقلاب ایدئولوژیک جایگاه ندارد و این تفسیر از واژه «آزادی» اشتباه است. هم‌چنین، حذف نگاه الهی در حوزه حکومت سیاسی - اجتماعی، تظہیر سرمایه‌داری مدرن تحت‌پوشش آزادی و حقوق بشر است که درحقیقت می‌توان آن را «عوام‌فریبی» مدرن نامید (منصوری لاریجانی ۱۳۸۸: ۵۸). آزادی واقعی رهایی از حصار هوی‌وهوسِ نفس و حرکت در مسیر تکامل و رهایی از حصار انسان‌های منحرف است که زمینه انحراف از مسیر تکامل را برای دیگران فراهم می‌کنند و از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین موانع در مسیر آزادی، خودکامگی برخی منحرفین است که با استبداد و خودکامگی خود ذیل عنوان حاکم یا سلطان، به‌اجبار ملتی را از مسیر تکامل و حیانی و عقلانی جدا می‌سازند و ملتی را در مسیر هوی‌پرستی و ضعف سوق می‌دهند. آزادی شکستن حصار سیاسی و پایان‌دادن به خودکامگی و استبداد و انحصار قدرت در یک خاندان موروثی است و در این پژوهش در پی تبیین پذیرش و توسعه چنین مفهومی در انقلاب ایدئولوژیک ایران در میان خواص و عوام هستیم. سلطنت‌های موروثی، که یکی پس از دیگری قبضه‌کنندگان قدرت در خاندان خود بودند، با انقلاب ایدئولوژیک و بزرگ ایران خاتمه یافتند و این رویکرد در جهان اسلام اقتباس شده است.

### ۴. مفاهیم کلی

#### ۱.۴ انقلاب

در لغت به معنی دگرگونی، زیرورو شدن، تحول و تغییر (بنیادین) است (معین ۱۳۷۱: ذیل مدخل «انقلاب») و در اصطلاح عبارت از «وضع‌ی را با اراده خود خراب کردن برای رسیدن به

تبیین تعالی بیداری اسلامی در آینه تمام‌نمای انقلاب اسلامی (رحیم امرایی) ۷

وضع بهتر» و یا «واژگون کردن وضعیت موجود برای برقراری نظمی متعالی‌تر» و ابراز نارضایتی از وضعیت نامطلوب برای محقق ساختن وضع مطلوب (مطهری ۱۳۶۸: ۸۶-۸۷) است که با عزم، اراده، و ایمان مردم به وجود می‌آید و با همین نیروی مردمی باقی می‌ماند. با وجود این، فهمیده می‌شود که «انقلاب حرکتی تکاملی است که مسیر حرکت جامعه را اصلاح می‌کند و آن را در مسیر دیگری قرار می‌دهد که از نظر انقلابیون صحیح‌تر و رضایت‌بخش‌تر است» (شفیعی فر ۱۳۹۱: ۴۱).

#### ۲.۴ انقلاب ایدئولوژیک

مبنای برخی انقلاب‌ها نگاه ایدئولوژیک و نوع جهان‌بینی خاص و تأثیرگذار یک جامعه است؛ به عنوان مثال انقلاب ایران تحت تأثیر عمیق نگاه ایدئولوژیک دین‌گرا توسط نخبگان و مردم ایجاد شد. در این تحول ایدئولوژیک «دگرگونی بنیادی در ساختار کلی جامعه و نظام سیاسی آن منطبق بر جهان‌بینی و ارزش‌های اسلامی و نظام امامت و براساس آگاهی و ایمان مردم و حرکت پیش‌گامان متقی، هم‌گام با قیام قهرآمیز توده‌های مردم انقلاب را ایجاد نموده است» (عمید زنجانی ۱۳۸۴: ۱۴).

#### ۵. مخالفت علما با استبداد و جهت‌دهی مردم به ورود در سیاست

انحراف سیاسی الگوی حکومت و روی کار آمدن قالب حکومتی سلطنت به عنوان نظام سیاسی در دوره امویّه برای نخستین بار در جهان اسلام واقع شد و از آن دوره به بعد، رکنی مهم از فرهنگ سیاسی جامعه اسلامی شد؛ به نحوی که در جهان اسلام الگوی حکومت شایسته سالار بر مبنای لیاقت و علم و تقوا، به سوی «سلطنت موروثی» تغییر ماهیت داد و قدرت اجتماعی و سیاسی مسلمین در تاریخ و تمدن اسلام را برای قرون متمادی متأثر ساخت؛ هرچند این انحراف در سبک حکومت‌داری، در تضاد با اراده الهی و میل درونی عموم مسلمانان بود، لکن این تغییر با روی کار آمدن امویان در جهان اسلام واقع شد. در دوران پس از بنی‌امیه نیز جهان اسلام به فرهنگ غلط سلطنت‌محور خو گرفت و دنباله‌روی از این رویه غلط هدف و رویکردی عملی برای سلاطین و نظام‌های سلطنتی در جهان اسلام شد. در قرن اخیر و دوره معاصر که عموم مسلمانان به دنبال ایجاد «حکومت‌های مردمی» در جهان اسلام هستند و تمایلی به تداوم نظام سلطنتی ندارند و به صورت نهان و بلکه آشکار با آن مقابله می‌کنند، رویکرد استبدادمحور هم‌چنان با تأکید بر گذشته سیاسی حکومت در جهان اسلام بر استمرار و بقای سبک سلطنتی تأکید و پافشاری دارد و به شیوه‌های مختلف با موج «مردم‌سالاری‌خواهی» مقابله می‌کند.

با این که دخالت عموم مسلمانان در امور سیاسی - اجتماعی و تشکیل حکومت‌ها و هم‌راهی حاکمان و نقد خلفا و سلاطین و نظام حکومتی، از ضروریات الگوی اصیل حکومت اسلامی است و نمونه‌های برجسته‌ای از نقد سلاطین در جامعه اسلامی قرن دوم هجری و اوایل ایجاد نظام سلطنتی در منابع تاریخی موجود است (المنای ۱۳۵۶ ق: ج ۳، ۵۰۹؛ ابن ابی شیبہ بی تا: ج ۱۹، ۵۹۵)، لکن تأثیرات ناشی از سابقه مستمر نظام سلطنتی و طرز تفکر جدایی دین از سیاست و واگذاری حکومت به خاندان‌های سلطنتی و شائبه عدم نیاز حضور مردم در مسائل سیاسی و حکومت سلاطین، که برگرفته از همین نظام استبدادی و سلطنتی است؛ نیاز به تبیین این مهم را موجب شد که متفکران آگاه و علمای متعهد، در مقام تبیین این مسئله قرار گیرند که تعقل از تدین و دین از مسائل سیاسی و اجتماعی و نیاز به حضور و مشارکت مردمی جدا نیست و مسلمان متدین می‌بایست از مسائل سیاسی و اجتماعی آگاهی داشته باشد؛ بلکه در فرایند اصلاح حکومت‌ها و هم‌چنین ایجاد حکومت‌های الهی و مردمی و پشتیبانی از مسیر صحیح حکومت در جهت بسط اهداف و اصول متعالی دینی و عقلانی، دخیل و تأثیرگذار باشد. باتوجه به اشکالات نظام سلطنتی و مخالفت علما در قرون متمادی با مبانی «سلطنت» و به‌خصوص با تأسی از قیام امام حسین (ع) در برابر نظام سلطنتی، در سده اخیر بسیاری از علما به نقد و مبارزه با رژیم سلطنتی پرداختند؛ فتوای دینی میرزای شیرازی علیه قرارداد سلطنتی، نگارش کتاب تنبیه الامة و تنزیه الملة توسط علامه نائینی در نجف علیه سلطنت و لزوم دخالت مردم در سیاست، جریان‌سازی و شاگردپروری امام خمینی، مبارزات سیاسی و تبیین صحیح مسائل در رویکرد آیت‌الله خامنه‌ای، روش‌های متنوع مقابله با نظام سلطنتی و استبدادمحور بودند که هرکدام از این روش‌ها در خط‌مشی سیاسی - اجتماعی این عالمان بزرگ ظهور و نمودی روشن دارد. با پی‌گیری‌ها، جهت‌گیری‌ها، و جهت‌دهی‌های دقیق خواص، رفته‌رفته توده‌های عوام هم‌چون خواص در تجمعاتی عظیم در صف مخالفت با نظام سلطنتی قرار گرفتند. در مسیر مبارزه برای تحقق ایجاد نظام نوین مردمی، برخی مصلحان اجتماعی هم‌چون کواکبی بر روی آگاهی مردم اصرار می‌ورزیدند و معتقد بودند که آگاهی و بالابردن سطح شعور سیاسی و دینی عموم مردم استبداد و سوءاستفاده را به شدت می‌کاهد. او در باب تقابل استبداد و آگاهی بر پی‌گیری مردم برای احقاق حق و ارزش و معیاردانستن خواست و اراده مردمی، تأکید می‌ورزید. کواکبی در این باره می‌نویسد:

دانشمندان در انتشار آگاهی همی‌کوشند و مستبدان در خاموشی آن همی‌خروشدند و این دو همیشه عوام مردم را در کشاکش خود دارند. عوام کیان‌اند؟ عوام همانان‌اند که چون نادان‌اند



## تبیین تعالی بیداری اسلامی در آینه تمام‌نمای انقلاب اسلامی (رحیم امرایی) ۹

بترسند و چون بترسند تسلیم شوند و نیز همانان‌اند که چون دانا شوند، سخن گویند و چون سخن گویند کارها به‌انجام رسد (کواکبی بی‌تا: ۱۱۸، ۱۸۲).

تأکید بر رفع مسئله استبداد دینی برخی از علما و تحت‌نفوذ درباربودن آنها و برجسته‌نشان‌دادن این مشکل از جانب آیت‌الله نائینی، به‌عنوان عالمی برجسته و دین‌مدار، برای مبارزه با اندیشه علمایی بود که به‌جهت مخالفت با مشروطه مردمی، آگاهانه یا ناآگاهانه به مبارزات علیه استبداد سلطنتی نگاهی مایوس‌کننده و بسته داشتند و آن را مغایر با شرع می‌دانستند و برخی از اقدامات آنها به‌نفع دستگاه سلطنتی در دوران محمدعلی شاه و به‌ضرر جریان بیداری و توده‌ها و قشرهای عمومی تمام می‌شد (نائینی بی‌تا: ۱۰۸، ۱۴۲؛ صلواتی ۱۳۷۹: ۱۷۰-۱۷۲). آیت‌الله نائینی (ره) استبداد را به‌کلی رد کردند و اسلام را با مساوات و آزادی قرین می‌دانستند؛ ایشان از استبداد و حاکمیت سلاطین بی‌کفایت قاجار انزجار داشتند و خواهان اصلاحات سیاسی در جامعه بودند؛ اما این اصلاحات را به‌سبب غربی و به‌نفع دستگاه استبداد و نظام استعمار نمی‌خواستند (نجفی و حقانی ۱۳۹۱: ۳۳۵).

با روشن‌گری‌های علمای اسلامی و شکل‌گیری جریان بیداری اسلامی در میان خواص و عوام ملت ایران وارد عرصه تقابل با نظام سلطنت قاجار و پهلوی شد. مشروطه ناکام در دوره قاجار در پی محدودساختن اختیارات شاه متوقف و منحرف شد. این انحراف زمینه هرج و مرج و تزلزل و سیطره استبداد را فراهم آورد و نتیجه موقت آن سلطنت و استبداد رضاشاهی شد (سیاهپوش و دیگران ۱۴۰۱: ۴۰)؛ حتی پس از رفتن قاجار، الگوی حکومتی در سلسله بعد نیز، همان استبداد و سلطنت بود که خود تبیین‌گر انحراف از مشروطه بود؛ زیرا مشروطه با هدف محدودکردن نفوذ سلطنت و مشارکت‌دادن مردم شروع شده بود. استبداد سلطنتی در دوره قاجار و به‌خصوص پهلوی، نسبت به سلسله‌های سلطنتی قبل ضعف مضاعفی داشت. علاوه‌بر قالب سراسر اشکال سلطنت و استبداد، وابستگی شدید به بیگانه در این دو دوره از استبداد داخلی موج می‌زد.

ملت ایران در پی مبارزات دامنه‌داری که در دهه چهل علیه سلطنت پهلوی شروع و در قیام پانزدهم خرداد عمیق‌تر و شدیدتر شد، نهایتاً در دهه پنجاه از الگوی حکومت نامشروع سلطنت موروثی و استبدادمحور رهایی یافت. تغییر عمده‌ای که آرام‌آرام از دوره مشروطه به بعد در ایران به‌وجود آمده بود و بحث جدیدی را در اندیشه‌های سیاسی مطرح کرده بود؛ رابطه «مردم و مجلس» بود. با پایان سلطنت پهلوی ایران در ۱۳۵۷، «مجلس مردمی» تداوم قانونی خود را به‌صورت صریح‌تر و با اقتدار بیش‌تر پی گرفت؛ این مسئله درکنار انتخابات مردمی خبرگان

رهبری و مشخص شدن رئیس‌جمهور در فرایند آرای مردمی به رکنی اساسی درکنار رکن اسلامی بودن نظام مبدل شد (نجفی ۱۳۹۱: ۱۰). در نظام اسلامی، درعین‌این‌که اصل پنجم و پنجاه و هفتم *قانون اساسی ولایت مطلقه فقیه* را ثابت می‌کند (ملک‌افضلی ۱۳۹۳: ۵۲)، لکن این بدان معنا نیست که رهبری رهبر، الزاماً بدون داشتن شرایط، مادام‌العمر باشد؛ بلکه تداوم رهبری نیازمند داشتن شرایط است. اگر رهبر شرایط رهبری را از دست دهد؛ خبرگان رهبری که منتخب مردم هستند، تشخیص‌دهنده عزل خودبه‌خودی رهبر از مقام خود، مطابق اصل یک‌صد و یازدهم *قانون اساسی* هستند (ملک‌افضلی ۱۳۹۱: ۴۸) که تفاوت نظام اسلامی را در انتخاب حاکمان با استبداد سلطنتی به‌روشنی نشان می‌دهد. این جدای از انتخاباتی است که درمورد رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس، و شوراها نیز برگزار می‌شود.

## ۶. رشد سیاسی انقلاب، در پرتو ایدئولوژی دینی

قیام‌های پیاپی ملت ایران و بذل جان و مال در پیروی کامل از رهبر انقلاب در مسیر احیای جهان‌بینی دینی و بیداری اسلامی، رشد بینش سیاسی ملت مسلمان ایران را به‌خوبی نشان می‌دهد. امام خمینی (ره) به ایجاد این رشد در ملت ایران چنین استناد کرده‌اند:

آن‌چه موجب امید و آرامش است، طلیعه بیداری ملت و رشد سیاسی طبقات مختلفه است. از رشد ملت است که نقشه‌های شوم اجانب که به‌دست شاه باید اجرا شود، مواجه با مخالفت ملت می‌شود، رشد ملت است که حزب ساختگی شاه را با آن همه رعد و برق و عربده رسوا کرد و شاه را گرفتار آشفتگی و هیجان کرد، رشد ملت است که با همه ارباب و تهدید در انتخابات مفتضح شرکت نکرد، مگر مشتی از جیره‌خواران و بستگان به دستگاه، رشد سیاسی دانشجویان قدیم و جدید است که به تبلیغات چندصدساله اجانب و نقشه‌های تفرقه‌انداز استعمار پشت پا زده و در صف واحد درمقابل رژیم، مردانه ایستاده و از حقوق ملت مظلوم دفاع می‌کند و از شکنجه‌ها و حبس‌ها و محرومیت‌ها هراس ندارند، رشد سیاسی دانشجویان قدیم و جدید است که در بزرگداشت ۱۵ خرداد، روز رستاخیز ملت، در سراسر کشور به تظاهراتی دست زدند که شاه را دچار سرگیجه نمود و دستور حمله وحشیانه به مدرسه فیضیه و دارالشفاء، مهد تربیت اسلامی و قانون انفجار درمقابل ظلم و استبداد، صادر و محصلین قرآن و فقه اسلام را به‌اسم کمونیست پس از زجر و ضرب و جرح به زندان‌ها و سربازخانه‌ها کشاند که سرنوشت آن‌ها معلوم نیست (سعادت‌مند ۱۳۸۵: ۲۳۰).

## تبیین تعالی بیداری اسلامی در آینه تمام‌نمای انقلاب اسلامی (رحیم امرایی) ۱۱

قبل از وقوع انقلاب در جریان‌های مهمی چون نهضت تنباکو، نهضت مشروطه، جنبش ملی‌شدن صنعت نفت، و قیام پانزدهم خرداد (عیوضی ۱۳۹۰: ۸۸-۹۵) اعتلای روح معنوی و تسلیم‌ناپذیری ملت ایران در برابر استبداد حاکمان قاجار و پهلوی به‌نمایش درآمد و در الگوی پیشرفت و تعالی، که نخبگان دین‌گرا پیش‌روی ملت گشودند، تکامل روح معنوی و بازگشت به خویشتن و خودباوری را در رویکرد خود نشان دادند. موارد مذکور نشان‌دهنده این مهم است که میزان پذیرش عمومی و تأثیرپذیری ملت ایران از بیداری اسلامی، فراوان و فراگیر بوده و قدرت نرمی را درمقابل حکومت نظامی پهلوی ایجاد کرده که از بقای این رژیم سلطنتی جلوگیری کرده و بر حیات بیداری اسلامی افزوده است. موارد مذکور زمینه تأثیرگذاری شده‌ای بود که بسترساز بسیج سیاسی در تظاهرات محلی شد و نهایتاً با تظاهرات مردمی گسترده‌تر در سطح کشور و اعتصابات و کنش‌های جمعی به وقوع انقلاب انجامید (همان: ۹۶-۱۰۴). تحولات مذکور در ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای مسلمان که دست‌نشانده غرب در منطقه بود و علیه استبداد داخلی و استعمار غربی قیام کرده بود از جانب جهان اسلام نگرسته می‌شد. تداوم این روحیه پس از وقوع انقلاب مقوله مهم دیگری است. تداوم هویت‌خواهی و استبدادستیزی و استقلال‌طلبی ملت ایران پس از انقلاب در «جنگ تحمیلی» خود را نشان داد (همان: ۱۱۸-۱۲۷)؛ تحولی که در ملت ایران ایجاد شد هجرت به‌سوی حق بود. هجرت از خود به خدا بود، پشت به انانیت خود کردن و روی آوردن به رحمت الهی بود (عیسی‌نیا ۱۳۸۸: ۱۰۳) که آزادی از بند هوی و هوس و تعالی دادن خود و جامعه از جهات معنوی و مادی را موجب شد.

آزادگی از هوای نفس انسان را به مسئولیت‌پذیری و ادای تکلیف می‌رساند و هدف در قیام انبیاء و اولیاء و فرهنگ دینی ادای تکلیف بوده است (اسحاقی ۱۳۸۸: ۸۳). از خودگذشتگی در راه خدا و دفاع از حق از باشکوه‌ترین تجلیات عاطفی روح انسان است (مطهری ۱۳۸۸: ج ۱، ۳۶۵) که در پرتو آزادی، آگاهی، و بصیرت به‌دست می‌آید. ملت ایران با اتکا به ایدئولوژی اسلامی، باوجود کمبود ادوات نظامی و نابرابری شدید در تجهیزات و مهمات جنگی، در هشت سال جنگ مستمر با رژیم بعثی عراق، همواره گوش به فرمان رهبر انقلاب و در جبهه‌های نبرد علیه دیکتاتوری حزب بعث و استعمارگران پشتیبان آن، فداکاری بی‌دریغ و روحیه شهادت‌طلبی خود را نشان دادند. استعمارگران از برچیده‌شدن نظام استبدادی وابسته به بیگانه در ایران رضایت نداشتند. عملیات‌های مختلف شکست حصر آبادان و فتح خرمشهر و عملیات مرصاد، و ... نمونه‌هایی از جهاد مستمر ملت است که نشان از بیداری آن‌ها و دیده‌شدن این بیداری توسط دیگر ملل اسلامی است که الگوبرداری از این بیداری همگانی در جهان اسلام

نتیجه آن است. عمل‌گرایی و شهادت‌طلبی بسیج مردمی و رزمندگان سپاه و ارتش در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از مهم‌ترین عوامل برتری ملت ایران و حفظ استقلال کشور و کنترل اوضاع در شرایط بحرانی بود. رشادت‌های ملت در طول هشت سال جنگ تحمیلی بیان‌گر استقبال ملت ایران از «فرهنگ شهادت» است؛ چنان‌که در سال‌های نخست انقلاب هم، در جریان مقابله با رژیم پهلوی و منافقان، شهدای بسیاری را در یک مسیر مستمر تقدیم بیداری سیاسی خود کردند؛ خون‌دادن و اهدای جان، که فرایند و آزمونی سخت برای ملت‌هاست، موجب رخوت و سستی ملت ایران نشد و در آورده‌گاه‌های مختلف جهاد حضور پرشوری نشان دادند؛ در آورده‌گاه و آزمون جنگ تحمیلی نیز نسبت به گذشته، روحیه فداکاری و شهادت‌طلبی در ملت ایران عمق بیش‌تری یافت (اردستانی ۱۳۷۳: ۲۴). فرهنگ ایثار و شهادت از بارزترین مصادیقی است که نشان می‌دهد آزادی واقعی در بی‌قاعدگی و هرج‌ومرج نیست، بلکه در زندگی عاشقانه و ایثارمدارانه‌ای است که نه تنها تعارضی با قواعد هدف‌مند و تعالی‌بخش جامعه ایدئولوژیک ندارد، بلکه در گامی بلندتر و از افق دیدی بالاتر از هوی و هوس و بلکه بلندتر از قواعد عقلانی تعالی‌بخش، از خویشتن خویش عبور می‌کند و در مسیر استقرار قواعد و هنجارهای ایدئولوژیک عقل‌مدار و دین‌محور و سازنده و مفید جان شیرین را فدا می‌کند. تداوم این روحیه از جمله موجبات اساسی شکست دشمنان در سرنگونی نظام جمهوری اسلامی گردید و وجود چنین روحیاتی نیاز مبرم حکومت‌های تازه‌تأسیس با رویکرد مردم‌سالار و دین‌مدار و ایدئولوژیک هم‌چون عراق و یمن و ... است؛ درغیراین‌صورت نظام‌های مردمی کم‌تجربه و نوپا، در ابعاد سیاسی و نظامی و ... قادر نخواهند بود درمقابل استعمار غربی و سلطنت‌های دست‌نشانده و گروه‌های وابسته دوام بیاورند. ملل اسلامی نتایج رشد سیاسی و دینی ملت ایران را در عزت و پیشرفت و استقلال ایران اسلامی نظاره کرده‌اند و در این مسیر با دنباله‌روی از الگوی پیشرفت ایران با علاقه و امید وارد شده‌اند. جنبش سیاسی ایران از سال ۱۳۴۱ به بعد به‌اجمال به‌دنبال اسلام و استقلال و رهایی از سلطه و استعمار بود و با پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ این اجمال و انقلاب مبدل شد به یک نظام سیاسی که از جنبش‌های سیاسی بالاتر و تأثیرگذارتر است؛ زیرا علاوه‌بر جنبه نقد و نفی نظام سلطه، جنبه‌های اثباتی هم دارد (نجفی ۱۳۹۰: ۸۱). قیام لارستان، نهضت تنباکو، نهضت مشروطه، نهضت جنگل، حرکت ضداستعماری آقا نجفی اصفهانی، و ملی‌شدن نفت که ضداستبداد و استعمارستیز بودند جنبه نفی بالایی داشتند که از دهه چهل و نهضت ۱۵ خرداد به بعد با جنبه اثبات‌گرایی در الزام به تشکیل حکومت دینی همراه شد (سیاهپوش و دیگران ۱۴۰۱: ۳۷). حکومت دین‌مداری که استبدادستیز و آزادی‌خواه است در نگاهی ایدئولوژیک و تعالی‌بخش.

## ۱.۶ ایدئولوژی دینی و تحقق بخشی به نظام مردمی در ایران

جریان «بیداری اسلامی»، که نتیجه تبلور مؤلفه‌های عقلانیت و دیانت در دهه‌های اخیر است، بر مسئله حضور مردمی تأکید دارد و خواست ملل اسلامی را برای تشکیل نظام‌های مردم‌سالار تشدید کرده است. در این فرایند درکنار شاخص‌بودن و تعیین‌کننده‌بودن نظر مردم و لزوم مدخلیت آن‌ها در تعیین حاکم، می‌بایست نگاه و تلاش سیاسی مردم به دنبال اجرای ملاک‌ها و معیارهای الهی باشد و برای تحقق خلافت برگزیدگان الهی و تعالی اصول و اهداف دینی ظرفیت و توان خود را صرف کنند. پس انتخاب مردم می‌بایست انتخابی الهی باشد و مدیران صالح و عالم و پاک‌دست را برای زعامت و مدیریت جامعه برگزینند. عموم مردم می‌بایست در مسیر تحقق حکومت ائمه برحق علیهم‌السلام و یا جانشینان حقیقی ایشان از علمای صالح، دغدغه و پویایی و حرکت عملی داشته باشند و این انتظار صحیح نیست که برگزیده الهی قدرت را قبضه کند و بدون همراهی مردم خود را بر آن‌ها تحمیل کند و ائمه چنین رویکردی نداشته‌اند، بلکه مردم هستند که می‌بایست در پی قدرت‌یافتن عالم صالح و متقی باشند و پشتیبانی لازم را در مسیر اقتداریافتن او عملی سازند.

خلافت خلفای الهی، از زمانی که از جانب خدا و رسول او معرفی شده‌اند حقوقی را محقق می‌کند، لکن تحقق ظاهری این امر و تشکیل خلافت ظاهری در جامعه نیازمند پی‌گیری و حرکت عملی خواص و توده‌های عمومی مردم در مسیر سیاسی و اجتماعی است. مردم با حضور صحیح خود در صحنه‌های سیاسی می‌بایست به دنبال برجسته‌ساختن و هموارکردن مسیر حکومت و رهبری برگزیدگان و عالمان پارسایی باشند که بهترین امت هستند. این فرایند برای ایران اسلامی محقق شده و تبیین صحیح آن باعث علاقه‌مندی دیگر ملل اسلامی به ورود در این مسیر در قالب بیداری اسلامی شده است. این فرایند تحول‌ساز در ایران با جریان انقلاب اسلامی و تأسیس نظام «جمهوری اسلامی» در دهه‌های اخیر تحقق یافت. فقهای عالم روی کارآمده جانشینان برحق رسول خدا و ائمه اطهار علیهم‌السلام (مطابق احادیث و روایات) هستند. علمای پارسایی که ائمه اطهار (ع) در لزوم رجوع به ایشان فرموده‌اند: «در امور پس از ما به راویان حدیث ما (علمای متقی) مراجعه کنید». از سوی دیگر، رهبران نظام جمهوری اسلامی، به عنوان جانشینانی شایسته، از جانب مردم و با اراده و رأی مردم در چهارچوب مشخص انتخابات خبرگان رهبری حکومت را در اختیار گرفته‌اند. رهبری سیاسی جامعه در «جمهوری اسلامی» در اختیار نائب عام ولی خداست و این نائب عام با رأی و اراده و خواست مردم «مقبولیت عمومی» هم یافته است. از سویی دیگر، ترویج و گسترش مراحل سیاسی - اجتماعی ایران معاصر

در دیگر ممالک اسلامی یک نیاز اساسی برای تحقق تمدن نوین جهان اسلام است. صدور انقلاب بزرگ ایران و مختصات و مبانی آن در جهان و به خصوص در جبهه مقاومت بدیهی است؛ چنان که بنیان گذار انقلاب اسلامی به این مهم به صراحت اشاره کرده اند. در شرایط کنونی برقراری مردم سالاری و انتخاب شایستگان حقیقی توسط جنبش ها و انقلاب های مردمی در عراق، یمن، بحرین، تونس، لیبی، و سوریه از جانب توده های عوام و با رهبری خواص ایشان هدف سیاسی و اجتماعی مهمی است که توسط توده ها و جریانات و عموم مردم با جدیت پی گیری می شود. شکل یابی نظام مردمی در این ممالک اسلامی، اگر از ابتدا منجر به انتخاب جانشینان ائمه از فقهای برجسته و صالح نیز شود، تحولی در چند گام و چندوجه و مثبت است؛ در غیر این صورت، «برقراری اصل مردم سالاری» و ایجاد حق برای مردم در انتخاب و تأیید حاکمان، فی نفسه یک تحول اساسی و مبنایی در فرهنگ و سیاست ملل اسلامی است که بستر را برای حکومت صالحان با تأیید مردم فراهم می کند.

## ۲.۶ انقلاب و مردمی سازی نظام ها در جهان اسلام

انتخاب رهبران از جانب مردم و خاتمه استبداد موروثی گامی بنیادین و تعالی بخش برای جهان اسلام است که در ایران پیموده شده و دیگر ملتها نیاز به برداشتن این گام دارند. گذشته تاریخی - سیاسی جهان اسلام با حکومت های سلطنتی سپری شده است، از این رو، علمای اهل سنت در گذشته از «خلافت راشده» و به خصوص «سلطنت موروثی» به عنوان الگوهای موجود دفاع و طرف داری می کردند، با این که الگوی سلطنتی با اراده و خواست مردمی در نوع حکومت قرابت نداشت و حاکمان با اراده و خواست عموم مردم روی کار نمی آمدند و غالباً بر مردم تحمیل می شدند. فرهنگ جوامع اسلامی تحت تأثیر سیطره مستمر نظام های سلطنتی به شاکله استبدادی نظام های سیاسی در قرون متمادی خو گرفته بود و این مسئله به عاملی در ابقای الگوی سلطنتی در جهان اسلام تبدیل شده بود؛ در حقیقت، این الگو قرابتی با فرهنگ سیاسی اسلام و تمدن اسلام مدار نداشت و از همان ابتدا هم تشکیل نظام سلطنتی با مخالفت خواص در جهان اسلام مواجه شده بود. تنزل و ضعف در الگوی حکومتی از جایگاه خلافت به سلطنت صورت پذیرفت و ابراز نگرانی از استقرار سلطنت توسط برخی حدیث نگاران در قرون نخستین اسلامی صورت پذیرفت (المنای ۱۳۵۶ ق: ج ۳، ۵۰۹؛ عسقلانی ۱۳۷۹ ق: ج ۱۳، ۲۱۳). این دغدغه در قرن معاصر در میان خواص به صورت جدی در قالب نیاز به مشارکت مردم در تعیین حکومت و رهبران مورد واکاوی قرار گرفت؛ آنکا به آرای مردمی در

تبیین تعالی بیداری اسلامی در آینه تمام‌نمای انقلاب اسلامی (رحیم امرایی) ۱۵

دیدگاه امام خمینی (ره)، که تبیین‌گر انقلاب اسلامی و تعالی‌بخش بیداری اسلامی بودند، به‌صراحت بیان شده است: «چون اکثریت قاطع مردم مسلمان هستند، حکومت اسلامی از پشتیبانی آنان برخوردار شده و متکی به مردم می‌گردد» (بابایی ۱۳۹۸: ۲۹).

مسلمانان در قرون معاصر در فرایند بازگشت به خویشتن قرار گرفتند و تأکید بر لزوم اتکا به آرای مردمی از مرز خواص معاصر عبور کرد و به موجی فراگیر میان عوام و جریانات سیاسی تبدیل شد. وقوع انقلاب اسلامی ایران در گسترش این الگو نقشی اساسی داشت. در دهه‌های اخیر، حتی طیف گسترده‌ای از علمای اهل سنت هم تحت‌تأثیر تبیین و بیداری اسلامی، به نظام «سلطنتی» بدبین و معترض شدند و خواستار تغییر در الگوی حکومتی و استقرار «مردم‌سالاری دینی» هستند. میل و اراده علما به ساخت نظام‌های مردم‌سالار و دین‌مدار با تأثیرپذیری از تحولات چهل‌ساله ایجادشده در نظام سیاسی ایران به‌مراتب تشدید شده است و در آینه تمام‌نمای ایران اسلامی انعکاس‌های روشن‌تری در افق‌های بالاتر برای ایران و دیگر ملل اسلامی یافته است. موج اعتراضی نسبت به نظام‌های غیرمردمی، توده‌های عمومی را در اقصی نقاط جهان اسلام با شدت و ضعف قابل‌توجهی فراگرفته است. بیداری اسلامی، وقوع انقلاب، و استقرار و تداوم نظام جمهوری اسلامی در انتشار این موج در دل توده‌های عمومی دارای نقش کلیدی و از علل اساسی و مقومات این تحول هستند. گذشت چهار دهه از موجودیت جمهوری اسلامی بیان‌گر دوران تأسیس، تثبیت، تداوم، و استقرار مقتدرانه این نظام در برابر تهدیدها و حمله‌های فرهنگی، سیاسی، و نظامی را نشان می‌دهد و به همین علت «مردم‌سالاری دینی» را به‌عنوان الگویی برای دیگر ملل اسلامی در دوره معاصر معرفی کرده و مؤلفه‌های برتر این نظام را تبیین کرده است. تبیین عملی برگرفته از تداوم حضور مقتدرانه انقلاب ایدئولوژیک ایران به الگوپذیری از جمهوری اسلامی منجر شده است. قیام ملل اسلامی در برابر «سلطنت‌های استبدادی» در یمن، عراق، تونس، لیبی، و بحرین تشدید شد و در صورت تداوم بیداری در جنبش‌های مردمی، امکان ایجاد مؤلفه‌ها و بسترسازی پیشرفت و تحول در جهان اسلام به‌مراتب تشدید خواهد شد. عمق بیداری اسلامی در حرکت عملی ملل اسلامی و بازگشت به اصول اسلامی به‌خصوص مقابله با استبداد سلاطین و استعمار غرب است که آزادی معناداری را به‌ارمغان می‌آورد؛ برچیدن نظام‌های مستبد سلطنتی وابسته به غرب و جای‌گزینی نظام‌های مبتنی بر «مردم‌سالاری دینی» از مهم‌ترین اهداف و مبانی کلان در مسائل سیاسی - فرهنگی جهان اسلام است که از مانایی مقتدرانه نظام ایدئولوژیک ایران باوجود توطئه‌های فراوان نشأت گرفته است.

## ۷. واکنش غرب به تشدید بیداری

ایجاد بیداری علیه سلاطین توسط ملت ایران و انعکاس تشدید آن در قلب ملل اسلامی علیه استبداد سلاطین وابسته به غرب دغدغه و نگرانی خاصی را در مقام نظر و عمل برای ایالات متحد (به عنوان سردمدار قدرت غرب) ایجاد کرده است. تئوری پردازی‌ها و بررسی‌هایی که از ایران و جهان اسلام شکل گرفته و سازمان‌هایی که چنین ماهیتی دارند (و تعداد اندکی هم ندارند) تأییدکننده شدت تأثیرگذاری ایران در مقام عمل بر جهان اسلام از جهت غرب‌ستیزی است که حائز اهمیت و اثبات‌کننده تعالی یافتن بیداری در جهان اسلام توسط انقلاب ایران است. اغلب مسائلی که به عنوان نظریه و تئوری از سوی کارشناسان آمریکایی در مراکز پژوهشی و بنیادهای مطالعاتی فعال آمریکا هم‌چون شورای روابط خارجی (Council on Foreign Relation)، انستیتو بروکینگز (Brookings)، مؤسسه اینترپرایز (Enterprise American)، کمیته خطر جاری (Present Danger Committee)، و مرکز بین‌المللی محققان ویلسون مطرح می‌شوند، در واقع نتایج حاصل از تحلیل‌ها و خط‌مشی‌هایی است که به وکالت از طرف نهادهای دولتی‌ای هم‌چون سازمان دولتی سیا، پنتاگون، و شورای امنیت ملی صورت پذیرفته‌اند که در شناخت و نفوذ و مهار دولت‌های مخالف آمریکا، به‌خصوص ایران، موفق شوند. هرکدام از این مؤسسات با هزینه بالا بخش مجزایی جهت شناخت و برنامه‌ریزی برای ایران دارند که به عنوان نقشه راه دولت‌های مختلف آمریکا تعیین می‌شود (محمدی ۱۳۹۰: ۷۵-۹۰). نظریه‌پردازی هانتینگتون نیز یکی از گسل‌های تمدن‌خیز در برابر غرب را جهان اسلام (با محوریت ایران) معرفی می‌کند. نظریه هانتینگتون در مورد «جنگ تمدن‌ها» (crash of civilizations) به عنوان یک تئوری و پیش‌بینی در واقع بخشی از نقشه راه آمریکا برای جهان فرداست. سیر اصلی مناقشات در عرصه سیاست جهانی نه از بین کشورها و دولت‌های ملی، بلکه از بین تمدن‌ها و فرهنگ‌های بشری و کشورهای دارای سابقه فرهنگی و تمدنی متفاوت عبور می‌کند. جنگ تمدن‌ها بر سیاست بین‌الملل سیطره یافته است و خطوط گسل بین تمدن‌ها خطوط جنگ‌های آینده را ترسیم می‌کند. هانتینگتون بزرگ‌ترین خط گسل را بین تمدن مسیحی - یهودی غرب و تمدن اسلامی خاورمیانه بزرگ ترسیم می‌کند. این نظریه، که به الگوی «ژئو کالچر» معروف است، امروز با گذشت چند سال از مطرح شدن آن بیش‌تر به یک نسخه سیاسی تجویز شده شبیه است، تا یک بحث تئوریک یا پیش‌بینی اوضاع سیاسی جهان (موحدیان عطار ۱۳۸۶: ۶، ۵۶؛ خیریه ۱۳۹۳: ج ۳، ۴۷۶-۴۸۱). در این مسیر، از جهت عملی، مهار انقلاب ایران و جلوگیری از تبیین و صدور انقلاب با دامن‌زدن به شورش‌ها در اوایل انقلاب و تدارک جنگ تحمیلی هشت‌ساله و فتنه‌ها و



تبیین تعالی بیداری اسلامی در آینه تمام‌نمای انقلاب اسلامی (رحیم امرایی) ۱۷

تحریم‌ها، ایجاد گروه‌های تروریستی تکفیری بنیادگرا و متعارض با ایران و محور مقاومت، درکنار بنیادنهادن رژیم صهیونیستی و پشتیبانی از آن صورت پذیرفته است و برای تداوم تجزیه‌ای که پس از جنگ جهانی بر جهان اسلام دیکته شد، سیاستی راه‌بردی برای غرب و ایالات متحد با هدف مهار و دراختیارگرفتن منابع جهان اسلام اعمال می‌شود.

تلاش تاریخی امپریالیسم و سلطه جهانی درطول دوران استعمار در مسیر غیرفعال کردن ظرفیت‌ها و توانایی‌های اسلامی و مسخ تمدنی، فرهنگی، و فکری تمدن اسلامی است؛ دنیای غربی در مسیر پروژه تمدنی خود مبتنی بر «جهانی‌شدن انسان» با الگوی غربی و «غربی‌شدن رفتار و سبک زندگی» انسان است (تبّاخ ۱۳۹۳: ج ۴، ۶۰۳). در جبهه مقابل در بسیاری از مناطق جهان اسلام خواست و اراده‌ای مشترک در واکنش به ناتوانی، سرکوب، عقب‌ماندگی، و نیاز به ایجاد ساختاری یک‌پارچه در بستر تاریخی مشترک میان همه مسلمانان با گنجایش نقش‌آفرینی بالا در قالب بیداری اسلامی خود را نشان داد. ایران اسلامی با وقوع انقلاب ایدئولوژیک خود روح آزادی را در ملت‌های اسلامی تشدید کرد و در گام بعد در تعالی دادن جنبش ملت‌های به‌پاخاسته از جنبش‌ها پشتیبانی کرد. حمایت از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان را درعین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر را نقشه راه خود قرار داده است (قمی ۱۳۸۸: ۴۵).

## ۸. نتیجه‌گیری

گروه‌های سیاسی در جهان اسلام در اکثر موارد تلاش کرده‌اند به نیازهایی پاسخ دهند که دیگران در پاسخ به آن‌ها ناکام مانده‌اند و باعث خروج آن‌ها از حیطه کار سیاسی شده است. از مهم‌ترین این نیازها خروج از استبداد و عقب‌ماندگی، رهایی از استعمار با تمامی اشکال گوناگون آن، و آزادسازی سرزمین‌های اشغالی در کشورهای اسلامی، دستیابی به وحدت ملی، و ایجاد حکومت‌های مردمی بوده است. از نمونه کشورهایی که بیداری‌های اسلامی بزرگی در این شاخصه‌ها در آن رخ داده و در مسیر تعالی حرکت کرده و به‌عنوان الگویی موفق دیگر ملل اسلامی را در مسیر دستیابی به اهداف بزرگ قرار داده، جمهوری اسلامی ایران است که به‌رهبری امام خمینی (ره) و از طریق «انقلاب اسلامی» تحقق یافته است (مصطفی و مصطفی ۱۳۹۳: ج ۴، ۳۰-۳۵).

حرکت مستمر نظام جمهوری اسلامی در اعتلای سطح فرهنگی در ابعاد بزرگ مردم‌سالاری و دین‌مداری و وحدت و ایجاد امنیت و ثبات در منطقه و ایجاد مشخصه اقتدار

نظامی و سیاسی، و ماندگاری و تحول در برابر استعمار غرب و استبداد موجود در جهان اسلام طی چهار دهه از مراحل تکامل انقلاب اسلامی و تحولی شگرف و تأثیرگذار در مسیر ایجاد «تمدن نوین اسلامی» است. اقتدار و شکوه مذکور ایران را به الگویی برای سایر جنبش‌های مردمی اسلامی تبدیل کرده که در برابر سلاطین مستبد و استکبار جهانی بایستند و مسیر سیاسی- فرهنگی ایران اسلامی را در مقابله با استبداد و استعمار دنبال کنند. در این جهت، مردم‌سالاری و دین‌مداری و استقلال در برابر استبداد و ظاهر فریبی و وابستگی سلاطین عرب به تمدن مادی غرب به خواستی عمومی در میان جنبش‌ها و عموم مسلمانان تبدیل شد.

### کتاب‌نامه

- ابن ابی شیبه، ابوبکر (بی‌تا)، *المصنف*، تحقیق محمد عوامه، ج ۱۹، بی‌جا: دارالقبله.
- ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی (۱۳۷۹ ق)، *فتح الباری شرح صحیح البخاری*، ترقیم محمد فؤاد عبدالباقی، تخریج محب‌الدین الخطیب، تعلیق عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، ج ۷، ج ۱۳، بیروت: دارالمعرفة.
- اردستانی، حسین (۱۳۷۳)، «جنگ تحمیلی»؛ در: *مجموعه مقالات*، تهران: سپاه.
- اسحاقی، حسین (۱۳۸۸)، *انقلاب عاشورایی انقلاب خمینی (ره) پرتویی از عاشورای حسینی (علیه‌السلام)*، قم: خادم‌الرضا.
- المنای، عبدالرئوف (۱۳۵۶ ق)، *فیض‌التقدیر شرح الجامع الصغیر*، ج ۳، مصر: المكتبة التجارية الكبرى.
- بابایی، داودعلی (۱۳۹۸)، *مصاحبه‌های امام خمینی (ره) در نجف، قم و پاریس*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- تبّاخ، سیداحمد ابراهیم (۱۳۹۳)، «جریان‌های تکفیری و خدمت به برنامه‌های استعماری از طریق برافروختن جنگ‌های داخلی در کشورهای اسلامی»، در: *مجموعه مقالات کنگره جهانی جریانات تکفیری*، ترجمه هاشم جاسمی زرگانی، ج ۴، قم: دارالاعلان.
- خیریه، بهروز (۱۳۹۳)، «نقش گروه‌های تکفیری در تغییر نقشه منطقه»، در: *مجموعه مقالات کنگره جهانی جریانات تکفیری*، ج ۳، قم: دارالاعلان.
- ژیژک، اسلاوی (۱۳۹۰)، *عینیت و ایدئولوژی*، ترجمه علی بهروزی، تهران: طرح نو.
- سعادت‌مند، رسول (۱۳۸۵)، *انقلاب از آغاز تا پیروزی در نامه‌ها و پیام‌های امام خمینی قدس سره*، قم: تسنیم.
- سیاهپوش، امیر و دیگران (۱۴۰۱)، *انقلاب اسلامی؛ زمینه‌ها، دستاوردها و آسیب‌ها*، قم: معارف.
- شفیعی‌فر، محمد (۱۳۹۱)، *انقلاب اسلامی؛ ماهیت، زمینه‌ها، و پی‌آمدها*، قم: معارف.
- صلواتی، محمد (۱۳۷۹)، *جمود و خشونت*، تهران: ذکر.
- عمید زنجانی، اسماعیل (۱۳۸۴)، *انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*، تهران: طوبی.

## تبیین تعالی بیداری اسلامی در آینه تمام‌نمای انقلاب اسلامی (رحیم امرایی) ۱۹

- عیسی‌نیا، رضا (۱۳۸۸)، *انقلاب و مقاومت اسلامی در سیره امام خمینی*، تهران: عروج.
- قمی، غیاث‌الدین (۱۳۸۸)، *انقلابی به رنگ خدا*، قم: اندیشه ماندگار.
- کواکبی، عبدالرحمان (بی‌تا)، *طبایع الاستبداد (سرشت‌های خودکامگی)*، نقد و تصحیح محمدجواد صاحبی، بی‌جا: دفتر تبلیغات اسلامی.
- لاکان، ژاک (۱۴۰۲)، *اضطراب*، ترجمه صبا رستگار کریمی، تهران: پندار تابان.
- محمدی، منوچهر (۱۳۹۰)، *انقلاب اسلامی در بوته آزمون*، تهران: دانش و اندیشه معاصر.
- مصطفی، احمد و علی حسن مصطفی (۱۳۹۳)، «تفاوت میان جنبش‌های انقلابی و جریان‌ات تکفیری و تروریستی»، در: *مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌ات تکفیری*، ترجمه میثم صفری، ج ۴، قم: دارالاعلان.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، *پیرامون انقلاب اسلامی*، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۸)، *حماسه حسینی*، ج ۱، تهران: صدرا.
- ملک‌افضلی اردکانی، محسن (۱۳۹۳)، *آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، قم: معارف.
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۹۵)، *سیری در نظریه‌های انقلاب*، تهران: قومس.
- ملکوتیان، مصطفی و کیومرث جهانگیر (۱۳۹۷)، *انقلاب اسلامی: وقوع، پی‌آمدها، و راهکارهایی برای آینده*، قم: معارف.
- منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۸۸)، *انقلاب اسلامی و اولویت‌های آن*، قم: خادم‌الرضا (علیه‌السلام).
- موحدیان عطار، رسول (۱۳۸۶)، *چشم‌انداز خاورمیانه بزرگ، فراز و فرود دولت‌های ملی*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- موللی، کرامت (۱۴۰۱)، *مبانی روان‌کاوی فروید - لکان*، تهران: نی.
- نائینی، محمدحسین (بی‌تا)، *تنبيه الامه و تنزيه الملة*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- نجفی، موسی (۱۳۹۰)، *تمدن برتر*، اصفهان: آرما.
- نجفی، موسی (۱۳۹۱)، *تفکر و تمدن*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نجفی، موسی و موسی فقیه‌حقانی (۱۳۹۱)، *تاریخ تحولات سیاسی ایران*، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر.

